دوره اسلامی که کمتر متأثر از سنن بیرونی و بیشتر برخوردار از منابع اسلامی هستند، شریعت‌نامه‌ها بودند که در میان اهل سنت به «احکام‌السلطانیه» شهرت دارند و امروزه بیشتر با عنوان «فقه سیاسی» مشخص می‌شوند و عموماً نیز زبان‌شان عربی است. در این آثار اندیشه‌های خلافت سنی و امامت شیعی مورد بحث قرار می‌گیرند و کوشیده می‌شود جزئیات احکام درباره وظایف و تکالیف حاکمان و اتباع مشخص شود. برخی چون محمد عابدالجابری یا داود فیرحی بر این اعتقادند که فقه در مقایسه با دو دسته دانش‌های سیاسی دیگر، بهتر وضعیت تمدن اسلامی را معرفی می‌کند و به همین دلیل گفته می‌شود صحیح‌تر آن است که تمدن اسلامی «تمدن فقه» نامیده شود.

تقسیم‌بندی روزنتال را برخی از دانشوران ایرانی چون سیدجواد طباطبایی نیز پذیرفته و مبنای توضیح اندیشه سیاسی در دوره اسلامی و فرآیند پرفرازونشیب آن قرار داده‌اند و براساس همین سه دسته متون استدلال کرده‌اند که با غروب اقبال به فلسفه سیاسی و ابتدالی که در سیاست‌نامه‌نویسی رخ داد و به توجیه سلطنت متغلب انجامید، شریعت‌نامه‌ها به مهمترین منابع نظریه سیاسی بدل شدند. چنین امری البته از نظر طباطبایی چندان اتفاقی میمون نبوده است، زیرا او این آثار را در پاسخگویی به بحران‌ها و پرسش‌های سیاسی روزافزونی که در جهان اسلام رخ می‌داد، نابسنده می‌داند.

نقدها به تقسیم‌بندی روزنتال

با وجود اهمیت تقسیم‌بندی روزنتال، برخی نیز به کاستی‌های این تقسیم‌بندی اشاره کرده‌اند یا کوشیده‌اند شیوه متفاوتی برای تفکیک متون ابداع کنند. برای نمونه فرهنگ رجایی در کتاب «معرکه جهان‌بینی‌ها» از پنج قالب فکری نام می‌برد که عبارتند از: شیوه فقاهتی، شیوه تاریخی، شیوه عرفانی، شیوه ادبا (اندرزنامه‌نویسی) و شیوه فلسفی. کسانی چون آن لمبتون البته اشاره کرده‌اند که این متون سیاسی را نمی‌توان به طرز کاملاً روشن از یکدیگر تفکیک کرد، بلکه بهتر آن است که آنها را در ارتباط و تعامل با یکدیگر فرض کرد و از تأثیرات متقابل‌شان غافل نماند. جدا از این نکته نیز شایان توجه است که نباید تمام آثار یک متفکر را در یک گروه معین از این سه گروه قرار داد. برای مثال نمونه‌ای مناقشه‌برانگیز از این امر را می‌توان در کتاب «نصیحة‌الملوک» غزالی یافت. بیشتر آثار سیاسی غزالی در چارچوب سنت شریعت‌نامه‌نویسی قابل درک هستند اما این اثر او که البته برخی نیز در انتساب آن به غزالی تردیدهایی جدی دارند، از اسلوب سیاست‌نامه‌نویسی تبعیت می‌کند. برخی دیگر یکی از کاستی‌های تقسیم‌بندی روزنتال را به استفاده نکردن او از منابع شیعه و بی‌توجهی به آرای فیلسوفان شیعه چون ملاصدرا، میرداماد و ملاهادی سبزواری متوجه کرده‌اند و معتقدند، او خود را به عقاید اهل سنت و جماعت محدود کرده است.

جایگاه ابن‌خلدون پس کجاست؟

جز این یکی دیگر از ایرادهایی که به رویکرد روزنتال گرفته شده است، این است که برای نمونه در تقسیم‌بندی او جایگاه کتاب «العبر» ابن‌خلدون مشخص نیست، در حالی که این اثر و برخی دیگر از متون تاریخی از اهمیت زیادی برای توضیح مناسبات سیاسی جامعه اسلامی برخوردارند. جز این امر حتی برخی اهمیت ابن‌خلدون را فراتر از آنچه گفته شد، دانسته و او را پیشگام علم جامعه‌شناسی دانسته‌اند و در این زمینه به این اشاره کرده‌اند که آگوست کنت و جامباتیستا ویکو از آرای او بهره برده‌اند. دیگرانی حتی او را پرچمدار ماتریالیسم تاریخی کارل مارکس دانسته‌اند. این روایت‌ها البته مخالفانی جدی نیز دارد. یکی از آثار مهم در رد این نگرش را سیدجواد طباطبایی نوشته است. او در کتاب «ابن‌خلدون و علوم اجتماعی» استدلال می‌کند که «ابن‌خلدون موردی استثنایی در تاریخ اندیشه در دوره اسلامی است، اما اندیشه او نمی‌تواند آرایش نیروهای اندیشه سنتی را بر هم زده و با ایجاد گسستی از سنت در تجدید نظری در مبانی، اندیشه دوران جدیدی را تاسیس کند.» از نظر طباطبایی، ابن‌خلدون البته متوجه این شده بود که با اصول و مبانی متقدمانی چون فارابی که بحث درباره همه شئون حیات اجتماعی را حول مفهوم «شهر» (پولیس) توضیح می‌دادند، نمی‌تواند دیدگاه خود را صورت‌بندی کند. او همچنین این امتیاز را به ابن‌خلدون می‌دهد که او «نخستین اندیشمندی بود که مقوله انحطاط را همچون مفهومی اساسی در نظام فکری خود به‌کار گرفت.» با این همه از نظر طباطبایی در تحلیل نهایی «با توجه به اصطلاحی که میشل فوکو به کار گرفته، می‌توان گفت که ابن‌خلدون نتوانست از «اپیستمه» کلامی ـ سلطنتی رایج دوره اسلامی فاصله گرفته و با ایجاد گسست از آن، «اپیستمه» نویی را برای توضیح وضعیت انحطاط دوره اسلامی تدوین کند.»

سیدجواد طباطبایی در کتاب «ابن‌خلدون و علوم اجتماعی» استدلال می‌کند که «ابن‌خلدون موردی استثنایی در تاریخ اندیشه در دوره اسلامی است، اما اندیشه او نمی‌تواند آرایش نیروهای اندیشه سنتی را بر هم زده و با ایجاد گسستی از سنت در تجدید نظری در مبانی، اندیشه دوران جدیدی را تاسیس کند.»

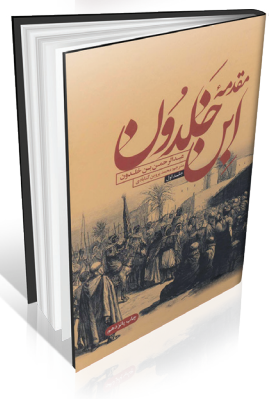

امهات روش عقلی و نگاه تاریخی ابن‌خلدون

ابن‌خلدون اما چه می‌گفت و نظریه او چه اهمیتی داشت که این‌چنین همچنان موردتوجه است؟ ابوزید عبدالرحمن بن محمد بن خلدون حضرمی، معروف به ابن‌خلدون تاریخ‌نگار مشهور عرب، در ۲۷ می سال ۱۳۳۲ میلادی (۷ خرداد ۷۱۱ شمسی) در تونس به دنیا آمد. خانواده او از اعراب جنوبی عربستان بودند اما او در اسپانیا نیز زیست و بعدتر نیز در میان تونس و مصر در رفت‌وآمد بود. مذهب او مالکی بود و مناصبی فقهی و سیاسی نیز داشت. مهمترین اثر ابن‌خلدون «العبر» نام دارد که شامل چند کتاب است اما مشهورترین بخش آن «مقدمه»‌ای است که موردتوجه پژوهشگران است. ابن‌خلدون در این مقدمه که شامل یک دیباچه و شش باب است، به توضیح علمی که قصد دارد آن را تاسیس کند و خود آن را «علم عمران» می‌نامد، می‌پردازد. علم عمران از نظر ابن‌خلدون از علومی چون سیاست و خطابه متفاوت است زیرا خطابه اقناعی است، اما برهانی نیست درحالی‌که علم عمران بر محوریت طبیعت امور و استدلال پیش می‌رود. در مقابل سیاست نیز ابن‌خلدون بر وجه تدبیری و چاره‌جویانه سیاست تاکید دارد درحالی‌که علم عمران در پی توضیح و توصیف است. پرسش اینکه، علم عمران می‌خواهد چه چیزی را توصیف و توضیح دهد؟ پاسخ ابن‌خلدون چنین است: علم عمران می‌خواهد با تکیه بر طبیعت امور و اشیاء و انسان‌ها و با توجه به ضرورت‌ها نحوه تحول و تبدیل جوامع اسلامی را از مراحل بادیه‌نشینی و بدوی تا مراحل شهری توضیح بدهد. ازاین‌منظر اندیشه او مشابهتی با فلسفه تاریخ نیز شاید داشته باشد، اما او در وهله نخست می‌خواهد از تاریخ نقلی به تاریخ علمی حرکت کند و به‌جای روند موجود در اکثر تاریخ‌های دوره اسلامی ـ به‌جز معدودی چون تاریخ مسعودی ـ از صرف نقل اخبار و وقایع بگذرد و پس از توصیف دقیق و عقلی و علمی وضعیت، روندهای موجود را نیز شناسایی کند و ضابطه‌هایی را برسازد که با استمداد از آنها بتوان از تاریخ کلامی و شرعی نظیر تاریخ طبری گذر کرد و تاریخ را به دانشی عقلانی ارتقاء داد که توان توضیح اجتماعات انسانی را داشته باشد.

روش ابن‌خلدون نه فلسفی و انتزاعی، نه نقلی و استنباط فقهی است. او البته به آیات و روایات توجه دارد و حتی نظیر اندرزنامه‌ها، در متن ابن‌خلدون نیز اشاره به رویدادهای تاریخی وجود دارد. فرق او اما با این آثار این است که می‌کوشد بر عقل و نه نقل، تکیه کند و در ضمن به‌نحوی استقرایی به مشاهده و تبیین رخدادهای تاریخی بپردازد. از همین منظر است که اثر او با جامعه‌شناسی تاریخی مشابهت‌هایی دارد و بدین‌ترتیب او می‌تواند سیر ظهور، صعود، رکود و سقوط دولت‌ها را به‌شکلی مشخص براساس مفهوم «عصبیت» یا پیوندهای قبیله‌ای تحلیل کند. طی این تحلیل از نظر ابن‌خلدون انسان موجودی مدنی و در عین حال برتری‌جوی است و متعاقب این انسان‌شناسی، دولت‌ها از تاسیس تا انحطاط پنج مرحله را طی می‌کنند که عبارتند از: ۱ـ مرحله پیروزی که فرد فرمانروا بر عصبیت متکی است و درعین‌حال این عصبیت جلوی یکه‌تازی او را می‌گیرد. ۲ـ مرحله تثبیت که فرمانروا، اطرافیان و مقربان را از خود دور می‌کند و خودکامه می‌شود. ۳ـ مرحله آسودگی و آرامش که حاکم با کنار زدن دیگر قدرتمندان و رقبا، منازعه و رقیبی پیش روی خود نمی‌بیند و در اوج قدرت قرار می‌گیرد. ۴ـ مرحله خرسندی و مسالمت‌جویی که طی آن عصبیت کاهش می‌یابد و میل به تجمل و خوشگذرانی در گروه حاکم ظهور پیدا می‌کند و ۵ـ مرحله اسراف و فرسودگی که به‌واسطه تبعات مرحله قبل و به‌واسطه ظهور قبایل رقیب بر خوردار از عصبیت قوی، انحطاط سراپای دولت را فرا می‌گیرد.

با عطف به نظر براگ اما در باب این مسئله که برخلاف مسیحیت، در اسلام تأملات فلسفی در حلقه محدودی از اهل نظر مسلمان باقی ماند و بدل به امری نهادینه و بنیانی برای زندگی اجتماعی و سیاسی نشد، می‌توان گفت تحول اندیشه در قلمرو تمدن اسلامی ـ با توجه به مورد ابن‌خلدون به‌عنوان یکی از ناظران آگاه تمدن اسلامی که «به‌نوعی در خط مقدم رویارویی با مغرب زمین قرار داشت» ـ در جهت خلاف تحول در مغرب زمین صورت گرفت. به‌واقع ارزیابی ابن‌خلدون از علوم عقلی منفی و حاکی از نفی کلی آن علوم بود، چنان‌که در «مقدمه» می‌نویسد: «از این علوم و دانندگان آن تباهی خرد به ملت اسلام روی آورده است و بسیاری از مردم به سبب شیفتگی به آنها و تقلید از عقاید ایشان عقل خود را از دست داده‌اند.»

ابن‌خلدون برخلاف متالهین مسیحی و جریان عقل‌گرای آنها بر آن بود که پیروی از شارع اساسی‌ترین وظیفه هر مسلمانی است و به‌تبع امام محمد غزالی بر این باور بود که درمجموع، علوم عقلی برای مسلمانان خالی از فایده است. آن‌چنان که جواد طباطبایی به‌درستی اشاره می‌کند: «تاسیس علم عمران خود مستلزم تغییر موضعی اساسی در مبانی نظری سنت [کلام] بود و ابن‌خلدون با توجه به دیدگاهی که نسبت به سنت پیدا کرده بود و اینکه او را توان تجدیدنظر در این مبانی نبود، کوشش او در جهت تاسیس علم عمران، به‌عنوان جامعه‌شناسی انحطاط تمدن اسلامی به‌نتیجه مطلوب نرسید.» بر همین اساس گرچه علم عمران ابن‌خلدون پرسشی نو در بحبوحه انحطاط تمدن اسلامی بود اما با مقدمات و مبانی کهنه او نتوانست مبنای جدیدی را برای تاریخ‌نگاری انحطاط در سرزمین‌های اسلامی فراهم آورد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - حوزه ثبت ملک شهرری
آگهی فقدان سند مالکیت
متقاضی غلام‌عباس پیش‌افکن طبق وکالت ۶۴۵۷۴ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۹ دفترخانه ۲۰ ری به نام خانم عالیه اقلالی آدرس: شهرری، محله دولت‌اباد، خیابان قدس، خیابان گلبن، پلاک ۵، مجتمع گروه ۱۱۳، بلوک ۱۲ ورودی ۱، طبقه همکف، واحد ۱ با تسلیم دو برگ استشهاد مصدق به شماره ۱۱۴۶۸۰ مورخ ۱۴۰۳/۲/۱ دفترخانه ۲۰ ری به شرح وارده ۲۴۰۰۲۸۵۹ مورخ ۱۴۰۳/۲/۳ اعلام نموده که شش‌دانگ یک قطعه آپارتمان نوع ملک طلق به پلاک ثبتی ۲۵۰۳۱ اصلی، مفروز و مجزاشده از ۸۰۳۹ فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۴۸ در طبقه همکف و واقع در بخش ۱۲ ناحیه ۰۲ حوزه ثبت ملک شهرری استان تهران به مساحت ۸۵/۸۵ مترمربع مالکیت عالیه/اقلالی فرزند غلامعلی شماره شناسنامه ۵۲۴۵۸ تاریخ تولد ۱۳۴۳/۰۴/۱۲ صادره از عراق دارای شماره ملی ۴۷۲۰۶۷۵۹۶۴ با جز سهم ۲۰ از کل سهم ۱۳۲ به عنوان مالک بیست سهم مشاع از صد و سی و دو سهم عرصه و اعیان به استثنا ثمنیه اعیان به شماره چاپی ۲۹۷۷۳۹ سری و سال ۰۰ با شماره دفاتر الکترونیکی ۱۴۰۱۲۰۳۰۱۰۲۴۰۳۱۸۲۸ ثبت گردیده است و برابر گواهی دفاتر املاک در رهن نمی‌باشد به علت جابه‌جایی منزل مفقود گردیده و تقاضای صدور المثنی سند مالکیت نموده است. لذا طبق ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می‌شود تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای کرده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراضی نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. گیرندگان رونوشت: ۱- جهت اطلاع به ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) ۲- اداره کل تحقیق و استرداد بنیاد مستضعفان
م الف: ۲۳۸
سیدمهدی لامعی - رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرری - از طرف محمد جعفرعلی

شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران
فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی دومرحله‌ای
نوبت اول
مناقصه‌گزار: شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران - مدیریت بازرگانی
موضوع مناقصه: خرید ۱۸۰۰ عدد شیلنگ آتش نشانی طی تقاضای شماره: DSS-01481-TR
تاریخ، مهلت، نشانی محل دریافت و تحویل استعلام کیفی مناقصه‌گران:
شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی خرید تعداد ۱۸۰۰ عدد شیلنگ آتش‌نشانی خود را به شماره نیاز ۲۰۰۳۰۹۲۹۳۵۰۰۰۰۲۸ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت و از بین تامین‌کنندگان کالا (تولیدکنندگان / فروشندگان) برگزار نماید و کلیه مراحل برگزاری فراخوان عمومی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه الزاماً از طریق درگاه سامانه مذکور به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۱۴۰۳/۳/۹ می‌باشد.
اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه به آدرس سامانه ستاد برای مناقصه‌گران ارسال خواهد شد.
- **مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی:** روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۳/۳/۱۶
- **مهلت ارسال مدارک ارزیابی کیفی:** روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۳/۳/۳۰
- **آدرس:** تهران - خیابان ایرانشهر شمالی - روبروی پارک هنرمندان - جنب خیابان برادران شاداب-پلاک ۱-طبقه دوازدهم-اداره خریدهای داخلی - شماره تماس: ۸۸۳۲۷۰۸۵ و ۸۴۱۲۰۹۹۶
مبلغ معامله برای مناقصه یادشده ۲۲۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال برآورد شده است.
تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار؛ مبلغ ۱۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد که براساس آئین‌نامه تضمین در معاملات دولتی قابل ارائه می‌باشد.
ضمناً آگهی در سامانه‌های MONAGHESE.NIOPDC.IR و همچنین سایت HTTP://IETS.MPORG.IR صرفاً جهت اطلاع قابل رویت می‌باشد.
اطلاعات تماس سامانه ستاد: مرکز تماس ۰۲۱۱۴۵۶ دفتر ثبت نام ۸۸۹۶۹۷۳۷،۸۵۱۹۳۷۶۸
شناسه آگهی: ۱۷۲۴۱۵۲
روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران

من غلام خانه‌های روشن‌ام

نگاهی به شماره ۳۰ ماهنامه «تجربه»

نرگس کیانی
خبرنگار گروه فرهنگ

شماره ۳۰ (دور جدید) ماهنامه «تجربه»، در ۱۶۴ صفحه و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان منتشر شد. طرح جلد این شماره از «تجربه» به پرونده‌ای با عنوان «من غلام خانه‌های روشن‌ام» اختصاص دارد که در آن به محافل یا دورهمی‌های غیررسمی اهالی فرهنگ و هنر پرداخته شده است. «محفل» در لغت‌نامه دهخدا، گردآمدن‌گاه مردمان و انجمن معنی شده است. جمعی که به‌واسطه نقطه یا نقاطی مشترک در جایی گردهم آمده و از گردهم آمدن‌شان احتمالاً چیزی حاصل می‌شود. اگر دایره گسترده‌ای را که می‌توان از واژه «محفل» درخصوص آن استفاده کرد به هنر محدود سازیم و از میان شاخه‌های گوناگون هنر، ادبیات را برگزینیم، به «محافل ادبی» می‌رسیم. محافلی متشکل از شعرا و نویسندگانی که همگرایی در سلایق ادبی یا سیاسی ضمن تعلق‌شان به یک نقطه جغرافیایی، موجب گردهم‌آمدن‌شان می‌شود و خروجی خود را در قالب نظم و نثری برخوردار از اصولی مشترک نشان می‌دهد. امری که در تاریخ ادبیات ایران سابقه‌ای طولانی دارد و آشناییِ موردی با نمونه‌های آن، نیازمند گزینشی شکلی و تاریخی است.

پرونده تازه‌ترین شماره ماهنامه «تجربه» با مروری بر چندوچون دورهمی‌ها و گعده‌های اهل ادب و فرهنگ در یک‌سال اخیر به قلم حمیدرضا محمدی (دبیر بخش مطالعات ایرانی «تجربه») آغاز می‌شود و شامل خاطراتی از چند محفل ادبی نوشته سیدعلی آل‌داوود (عضو شورایعالی علمی مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی)، خاطراتی از انجمن‌های ادبی مشهد به قلم محمدجعفر یاحقی (استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد)، درباره محفل مثنوی‌خوانی محمدعلی موحد نوشته شیرین عاصمی (رئیس دبیرخانه هیئت‌امنا و شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، درباره جُنگ ادبی اصفهان به قلم حسام‌الدین نبوی‌نژاد (مدیر فصلنامه «زنده‌رود»)، خاطراتی از جلساتی در محضر سیدفتح‌الله مجتبایی نوشته شهریار شاهین‌دژی (پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی)، محافل فرهنگی به روایت ایرج افشار به قلم سیدجواد میرهاشمی (فیلمساز و پژوهش‌گر)، درباره جلسات اخلاقی و توحیدی محمدتقی فیاض‌بخش نوشته امیررضا محمدی (روزنامه‌نگار)، درباره «سه‌شنبه‌های عباس زریاب خویی» در مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی به قلم مجدالدین کیوانی (عضو شورایعالی علمی مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی)، درباره محافل خانه هوشنگ طالع مرسوم به انجمن فرهنگی مهرگان به قلم مجید بجنوردی (روزنامه‌نگار)، درباره «پنج‌شنبه‌های حمید مصدق» نوشته لاله خشکنابی (همسر حمید مصدق) و... است. این پرونده همچنین مصاحبه‌ای با جواد مجابی، شاعر، نویسنده و منتقد ادبی را درباره ۶۰ سال آیندوروند به محافل و مجامع ادبی و هنری در بر دارد. دیگر بخش‌های ماهنامه «تجربه» شامل مصاحبه‌ای با شهرداد روحانی، آهنگساز و رهبر ارکستر به بهانه ۷۰ سالگی اوست. ضمن اینکه بیژن بیرنگ، علیرضا عصار، مینا افتاده، سارا روحانی، محمد دلنوازی و فرشاد شیخی نیز یادداشت‌هایی در این مورد نوشته‌اند. گفت‌وگو با منصوره اتحادیه، پژوهشگر و ناشر کتاب‌های تاریخ درباره کتابخانه شخصی‌اش و مروری بر کتاب‌های «فلسفه دین» اثر چارلز تالیافر و دیگران با ترجمه یاسر میردامادی، «ناداستان خلاق» اثر تیلار ماتسئو با ترجمه ستاره عارف کشفی، «محله‌ای که بود» نوشته محمدعلی اکبری، «گورهای بی‌سنگ» نوشته بنفشه رحمانی، «نظریه فمینیستی» نوشته جوزفین دانون با ترجمه فرزانه راجی و «قهرمان هزارچهره» نوشته جوزف کمبل با ترجمه شادی خسروپناه و... بخش کتاب تازه‌ترین شماره ماهنامه «تجربه» را شکل می‌دهد که با مروری بر چند پادکست مهم و شنیدنی این روزهای‌مان خاتمه پیدا می‌کند. پایان‌بخش شماره ۳۰ (دور جدید) ماهنامه «تجربه» گفت‌وگوی حامد قریب (روزنامه‌نگار) با بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم سازندگان فیلم «کیک محبوب من» درباره جدال سینمای مستقل با سینمای رسمی است. این گفت‌وگو با یادداشتی از کیوان کثیریان، منتقد سینما در مورد شرایط تاریخی سینمای ایران پس از سال ۱۴۰۱ همراه است. نقطه پایانی این شماره از «تجربه» را هم حسین پاکدل گذاشته است که با حضور در پشت‌صحنه برنامه «مهمونی» ایرج طهماسب، روایتی از این دیدار به دست می‌دهد.